



بررسی تأثیر عدم قطعیت سیاست اقتصادی بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته

شده در بورس اوراق بهادار تهران

مریم احمدی^a، سیدمحسن احمدی^b

^a دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران، کهگیلویه و بویراحمد، ایران (نویسنده مسئول)

^b استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران، کهگیلویه و بویراحمد، ایران

نویسنده مسئول: نام (maryamahmadi925@gmail.com)

چکیده: سطح مدیریت سود در بین شرکت‌ها متفاوت است، زیرا آنها اهداف مدیریت سود متفاوتی دارند، سود گزارش شده در بین شرکت‌هایی که با شرایط اقتصادی مشابهی روبرو هستند، احتمالاً متفاوت است و بر قابلیت مقایسه تأثیر منفی می‌گذارد. از این رو هدف این تحقیق بررسی این موضوع است که آیا عدم قطعیت سیاست اقتصادی بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد؟ با استفاده از داده‌های ۱۲۰ شرکت بین سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ با استفاده از رگرسیون خطی چند متغیره بررسی شد نتایج یافته‌ها نشان داد ناطمینانی سیاست پولی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی رابطه معکوسی دارد. همچنین ناطمینانی سیاست مالی رابطه معنادار با قابلیت مقایسه صورت‌های مالی دارد با توجه به نتایج کلی تحقیق مشاهده گردید که عدم قطعیت سیاست اقتصادی بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معنادار و معکوسی دارد

کلمات کلیدی: عدم قطعیت سیاست اقتصادی، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، سیاست پولی، سیاست مالی.

۱. مقدمه

شرایط و محیط اقتصادی تأثیر زیادی بر وضعیت مالی و عملیاتی شرکت‌ها دارد و در ادبیات اقتصاد مالی به اهمیت و بحث این موضوع بارها اشاره شده است. آمارهای موجود نیز حاکی از این است که بورس‌های اوراق بهادار پیشرفته در کشورهایی که به لحاظ اقتصادی در شرایط نسبتاً مناسبی به سرمایه‌برند، قرار دارند و این امر تأثیرپذیری شرکت‌ها از وضعیت اقتصاد کشور را تأیید می‌نماید مسئله ثبات در سیاست‌های اقتصادی دولت برای کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران دوچندان است، چراکه این کشورها دارای بازارهای مالی نامنظمی بوده و تغییر در سیاست‌های دولت می‌تواند متغیرهای کلان اقتصادی و از این رو بازارهای مالی و به خصوص بازار سرمایه این کشورها و سیاست‌های شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس را با مشکلات متعددی مواجه سازد (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۶). بازار سرمایه و در رأس آن بورس اوراق بهادار ارتباط نزدیکی با ساختارهای اقتصادی کشور دارد. یکی از مسائلی که پیرامون بازارهای سرمایه مطرح است، چگونگی تعامل و تأثیرپذیری متقابل این رکن با دیگر ارکان نظام‌های اقتصادی که معمول به‌عنوان متغیرهای خرد و کلان اقتصادی مطرح می‌شوند به بیان ساده می‌توان گفت، بنگاه‌های اقتصادی به‌عنوان بخشی از اقتصادهای کنونی، همانند سایر عوامل محیطی به‌طور پیوسته در معرض تغییر و تعامل با ابعاد مختلف است و برای شناخت هر چه بهتر آن‌ها باید عوامل مختلفی را مورد توجه قرارداد. در یک طبقه‌بندی کلی می‌توان عوامل تأثیرگذار بر فعالیت بنگاه‌های اقتصادی را در دودسته تقسیم‌بندی نمود: الف) عوامل درونی (خرد) عواملی هستند که تحت کنترل مدیریت بنگاه‌ها قرار دارند، از قبیل مسائل مدیریتی و پرسنلی، ساختار مالی شرکت، تقاضا برای محصول شرکت و ... ب) عوامل بیرونی (کلان) عواملی هستند که تحت کنترل مدیریت بنگاه‌ها نمی‌باشند، مانند عوامل سیاسی، حقوقی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیکی که در این تحقیق عوامل کلان اقتصادی شامل نرخ تورم، نرخ ارز، رشد اقتصادی و نرخ بهره بانکی مدنظر می‌باشد که در چند سال اخیر به‌شدت تحت تأثیر عوامل سیاسی بوده و نوسانات زیادی داشته است (شکر خواه و قاصدی ۱۳۹۵).